

بررسی علل عدم پذیرش امر به معروف و نهی از منکر در جامعه*

□ محمد رضا جواهری^۱

چکیده

یکی از مسائل مهم و اساسی در راه احیاء و اجرای امر به معروف و نهی از منکر در جامعه، بررسی و کنکاش در علل عدم پذیرش امر به معروف و نهی از منکر است. آسیب‌شناسی کارنامه امر به معروف و نهی از منکر، نقاط ضعف و موانع مقبولیت را آشکار می‌سازد. در امر به معروف و نهی از منکر دو موجود مختار و آزاد با هم ارتباط و تعامل دارند. شناسایی ویژگی‌های احتمالی و ممکن‌الوجود در شخصیت و رفتار و گفتار «آمر» و «مأمور» برای واکاوی و کشف مشکلات و چالش‌های پذیرش و مقبولیت امر به معروف و نهی از منکر در جامعه ضرورت دارد. در این تحقیق از تجارب شخصی و ارزشیابی‌های تشخیصی و نظرخواهی‌ها از دبیران و اعضای شوراهای امر به معروف و نهی از منکر در کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی بهره‌برداری شده است. این پژوهش با مطالعات فردی کتب حدیثی و فقهی در حوزه امر به معروف و نهی از منکر با روش توصیفی و تحلیلی معطوف به منابع پیرامون این دو فریضه انجام شده است. هدف شناسایی و تبیین علل عدم پذیرش امر

به معروف و نهی از منکر در جامعه و فراهم ساختن زمینه برای تلاش در راه رفع آنها می‌باشد. عوامل عدم پذیرش امر به معروف و نهی از منکر در دو بخش علل مرتبط با آمران به معروف و ناهیان از منکر و علل مربوط به مخاطبان و شنوندگان شایسته طرح و بررسی است. در این مقاله علل کلی و علل وابسته به آمران به معروف و ناهیان از منکر بررسی می‌گردد. **واژگان کلیدی:** امر به معروف و نهی از منکر، موانع پذیرش، آسیب‌شناسی، آمر، گوینده.

مقدمه

امر به معروف و نهی از منکر مسئولیت همگانی و متقابل در جامعه اسلامی است و احیای روح امر به معروف و نهی از منکر ضامن سعادت و پیشرفت و توسعه و ترقی و تکامل و فلاح است. بررسی کارنامه دولت و ملت در عصر پس از پیروزی انقلاب اسلامی، برای شناسایی چالش‌ها و مشکلات و موانع و اقدام در جهت رفع آنها ضرورت دارد.

احیاء و اجرای امر به معروف و نهی از منکر، از دو طرف با مشکلات و موانع گوناگون مواجه است، زیرا آمر و مأمور در وضعیت مطلوب قرار ندارند. از یک طرف عوامل متعددی وجود دارد که دولت و ملت را از امر به معروف و نهی از منکر باز می‌دارد و باعث کوتاهی و سستی در انجام وظیفه می‌گردد و سرانجام موجبات ترک امر به معروف و نهی از منکر را فراهم می‌سازد، و از طرف دیگر در مخاطبان امر به معروف و نهی از منکر نیز موانعی برای پذیرش امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد و افراد و اقشار مختلف به دلایل گوناگون امر به معروف و نهی از منکر را نمی‌پذیرند و اقدامات و تلاش‌های آمران به معروف و ناهیان از منکر بی‌اثر می‌گردد. از این رو باید عوامل بازدارنده از امر به معروف و نهی از منکر، و موانع و علل عدم قبول امر به معروف و نهی از منکر را شناخت و ریشه‌یابی نمود و راه احیاء و اجرای امر به معروف و نهی از منکر و گسترش و توسعه آن را گشود و موانع فرهنگ سازی دینی را برطرف ساخت. برخی مشکلات و چالش‌های آمر و مأمور و ناهی و منهی عنه، مشترک است و در هر

دو بخش نیز مشکلات و موانع ویژه‌ای حاکم است. این پژوهش در راستای بررسی و شناسایی و تحلیل «علل عدم قبول امر به معروف و نهی از منکر در جامعه» گام برمی‌دارد و از این مسیر به احیاء و انجام امر به معروف و نهی از منکر می‌پردازد.

در واکاوی علل عدم قبول امر به معروف و نهی از منکر روشن می‌شود برخی از این علل به‌گونه‌ای ارتباط دارد و برخی در ارتباط با شنونده است. این پژوهش در بررسی علل عدم قبول آن چه را که به رفتار و گفتار گوینده و شخصیت آمر به معروف و ناهی از منکر می‌رسد بررسی می‌کند و آن چه را که در جامعه مانع پویایی و کارآمدی امر به معروف است و موجب عدم قبول امر به معروف و نهی از منکر می‌گردد خواهد پرداخت.

علل کلی

رعایت آداب امر به معروف و نهی از منکر از سوی آمران به معروف و ناهیان از منکر، موجبات قبول آن از سوی مخاطبان و شنوندگان را فراهم می‌سازد. بنابراین ناآراستگی گویندگان و آمران به آداب ویژه امر به معروف و نهی از منکر، عامل اصلی عدم قبول و پذیرش مخاطبان و شنوندگان است.

امیر مؤمنان امام علی (علیه السلام) فرموده‌اند: «لکل شیء أدب» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۵، ص ۱۳)؛ برای هر چیزی ادبی است. ثمربخشی کارها و تحقق اهداف، بستگی به رعایت روش‌ها و شیوه‌های متناسب و زیبای آن دارد. شناسایی راه کارها و راهبردهای نتیجه بخشی و رسیدن به مقصد و آراستگی به آنها، در افزایش جاذبه و کشش مخاطبان به سوی خوبی‌ها و رهایی از بدی‌ها نقش بنیادی دارد.

امام حسن عسکری (علیه السلام) در تبیین راهبرد ادب شناسی فرموده‌اند: «کفاک أدباً تجنّبک ما تکره من غیرک» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۸، ص ۳۷۷)؛ اجتناب و دوری تو از آنچه از غیر خود زشت می‌شماری و نمی‌پسندی برای ادب کافی است.

اگر آمر به معروف و ناهی از منکر در ارتباطات فردی، از هر چیزی که از دیگری ببیند نمی‌پسندد و خوشش نمی‌آید، پرهیز کند زمینه تأثیرگذاری فراهم می‌گردد. چون این قبیل سخنان و کارها، عایق‌کننده و مانع جذب و تأثیر است. بنابراین «اجتناب» از گفتار و رفتار بد و زشت و تنفرآمیز دیگران، عامل توفیق فراوان آمر به معروف و ناهی از منکر خواهد شد.

امر به معروف و نهی از منکر زبانی، گسترده‌ترین و فراگیرترین مرحله مراحل سه‌گانه آن است. بسیاری از آفات در کارنامه جامعه در امر به معروف و نهی از منکر، ارتباط با زبان دارد. خدای متعال می‌فرماید: ﴿قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا﴾ (بقره/۸۳)؛ با مردم نیکو سخن بگویید. جابر بن یزید جعفی گفته است، امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه فرمودند: «قولوا للناس أحسن ماتحبون ان یقال لکم» (حر عاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۱، ص ۵۶۳ و فیض کاشانی، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۰۴)؛ با مردم بهتر از آن چه دوست دارید برای شما گفته شود، سخن بگویید. در این حدیث شریف ادب سخن گفتن با دیگران در امر به معروف و نهی از منکر لسانی آموزش داده شده است و معیار و شاخص اساسی فراگیر زیباسازی سخنان تبیین گردیده است باید آمر به معروف و ناهی از منکر خودش را جای مخاطب بگذارد و بهتر از آن چه که دوست دارد با او سخن گفته شود سخن بگوید.

پیامبر اعظم حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم درباره اهمیت و نقش روش در امر به معروف و نهی از منکر فرموده‌اند: «من أمر بمعروف فلیکن أمره ذلک بمعروف» (متقی هندی، ۱۴۳۹ق، ج ۳، ص ۳۱، حدیث ۵۵۲۲)؛ هر که امر به معروف می‌نماید باید امر او به معروف با شیوه خوب و زیبا و با روش معروف باشد. روش‌های انجام کارها گوناگون و متفاوت است و شیوه‌های امر به معروف و نهی از منکر نیز در دو دسته زیبا و زشت و معروف و منکر جای می‌گیرد. به حکم این حدیث نبوی باید روش‌ها و شیوه‌های امر به معروف و نهی از نوع زیبا و معروف باشد. روش‌های مشروع و نتیجه بخش و جذاب برای امر به معروف و نهی از منکر را باید از سیره و رفتار و گفتار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان علیهم السلام فرا گرفت و همراه با

مقتضیات زمان عملیاتی ساخت و راه کارهای تعامل اجتماعی و فرهنگ سازی و توسعه امر به معروف و نهی از منکر را شناسایی نمود و اجرا کرد.

خدای متعال در بیان و تعریف برونیک می فرماید: ﴿لَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ اتَّقَى وَ اتَّقَى الْيُوتَ مِنْ ابْوَابِهَا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (بقره/۱۸۹)؛ نیکی این است که پرهیزکار باشید و از در خانه ها وارد شوید و تقوا پیشه کنید تا رستگار شوید. جابر گفته است امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه فرموده اند: «یعنی آن یأتی الامور عن وجهها فی ای الامور کان» (بحرانی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۹۰)؛ یعنی امور و کارها هر امری باشد از راهش انجام شود. در حدیث دیگر نیز امام باقر علیه السلام فرموده اند: «اتتوا الامور من وجهها» (همان/۱۹۱)؛ کارها و امور را از راه و روش و صورت مناسب آن انجام دهید.

برای امر به معروف و نهی از منکر درهای زیبا و روش های جذاب و تأثیرگذار فراوانی وجود دارد که با پای بندی به آنها می توان زمینه های پذیرش امر به معروف و نهی از منکر را فراهم نمود و بی توجهی به آنها نیز عامل بزرگ و علت برجسته عدم پذیرش امر به معروف و نهی از منکر در جامعه می باشد.

امام رضا علیه السلام نیز فرموده اند: «من طلب الامر من وجهه لم یزل، فإنزل لم تذله الحيلة» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۷، ص ۹۳)؛ هر کس کار و امری را از روش خود بخواهد، نلغزد و اگر لغزشی رخ دهد حيله ها و شیطنتها او را خوار نخواهد کرد.

براساس این حدیث رضوی راه پیش گیری از لغزش های خوارکننده، انجام امور از روش مناسب آن است و این حقیقت، ضرورت و اهمیت توجه به روش ها و شیوه های زیبا و مطلوب در احیا و اجرای امر به معروف و نهی از منکر را نشان می دهد. کارآمدی و تأثیرگذاری امر به معروف و نهی از منکر بستگی به نحوه اجرای آن دارد و آشنایی با آداب و آگاهی از روش های مناسب و زیبا و رعایت و به کارگیری آنها، نقش زیادی در پذیرش از سوی مخاطبان دارد.

علل مرتبط با گوینده

برخی علل عدم پذیرش امر به معروف و نهی از منکر در جامعه با شخصیت و رفتار و گفتار آمران به معروف و ناهیان از منکر ارتباط دارد. باید این علل را بازشناسی کرد و این موانع کارآمدی و پایداری امر به معروف و نهی از منکر را برطرف نمود.

عدم آگاهی و معرفت و بصیرت

«علم» و «احتمال اثر» و «فقدان مفسده و ضرر» و «اصرار بر گناه و استمرار کار زشت» شرایط چهارگانه وجوب امر به معروف و نهی از منکر است (امام خمینی ره، ۱۳۶۳، ج ۱، صص ۴۲۷ تا ۴۳۷). نخستین و مهم ترین شرط وجوب امر به معروف و نهی از منکر معرفت است. امام خمینی ره در شرط اول نوشته اند: «آن یعرف الامر أو الناهی أن ماترکه المكلف أو أرتکبه معروف أو منکر، فلا یجب علی الجاهل بالمعروف و المنکر، و العلم شرط الوجوب» (امام خمینی ره، ج ۱، ص ۴۲۷)؛ امر یا ناهی بدانند آن چه مکلف ترک کرده یا مرتکب گردیده، معروف یا منکر است پس بر جاهل به معروف و منکر واجب نیست و علم و آگاهی شرط وجوب است.

اقدامات ناآگاهانه برخی مسلمانان و حرکت های جاهلانۀ برخی مجریان، از موانع مقبولیت و موفقیت است. ناآگاهی یا ضعف و کمبود معرفت و بصیرت آمران و ناهیان، بسیار خطرناک و زیان بار است. امر به معروف و نهی از منکر «متأسفانه چند صد سال است از رساله های علمیه خارج شده است و فقط در متن فقه فنی و علمی باقی مانده است و این خیلی عجیب است» (مطهری، ۱۳۸۵، ج ۱، حرف الف، ص ۲۴۸). این خلأ یکی از عوامل ضعف و کاستی، در حوزه آگاهی ها و شناخت و رشد عمومی است. امام خمینی ره پیشگام در احیای امر به معروف و نهی از منکر در رسالۀ عملیه است. ایشان در رسالۀ فارسی و در تحریر الوسیله، احکام امر به معروف و نهی از منکر را نوشته اند و از این طریق در

توانمند سازی مردم و رشد اجتماعی در ارتباط با امر به معروف و نهی از منکر افزوده‌اند. یاد گرفتن احکام امر به معروف و نهی از منکر و کسب معرفت و بصیرت در این موضوع، بر مکلفان واجب می‌باشد. امام خمینی رحمه الله در این ارتباط نوشته‌اند: «یجب تعلم شرائط الامر بالمعروف والنهی عن المنکر و موارد الوجوب و عدمه و الجوار و عدمه حتی لا یقع فی المنکر فی أمره و نهیه» (امام خمینی رحمه الله، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۴۲۸)؛ فراگیری و آموختن شرایط امر به معروف و نهی از منکر و موارد وجوب و عدم آن و جواز و عدم آن، واجب است تا مکلف در امر و نهی‌اش در منکر واقع نگردد.

عبدالله بن عمر گفته است پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «لا تأمر بالمعروف و لاتنه عن المنکر حتی تكون عالما و تعلم ما تأمر به» (متقی هندی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۷۴، حدیث ۵۵۶۰)؛ امر به معروف و نهی از منکر مکن تا دانا گردی و علم و آگاهی پیدا کنی و بدانی به چه چیزی امر می‌کنی.

خطر و زیان بزرگ اقدامات جاهلانه، وقوع در منکر هنگام اجرای امر به معروف و نهی از منکر است. برای رفع و دفع این خطر، کسب آگاهی و بینش و شناخت احکام امر به معروف و نهی از منکر بر مسلمانان واجب است. برگزاری کارگاه آموزشی و دوره‌های بصیرت‌افزایی برای شوراهای امر به معروف و نهی از منکر و ضابطان اجرایی این فریضه بزرگ و بنیادین جهت افزایش جاذبه و فراهم ساختن زمینه برای پذیرش اجتماعی و تأثیرگذاری ضرورت دارد.

اقدامات ناروای بی‌معرفت، به جای اصلاح موجب ضلالت و فساد و دوری از هدف می‌گردد. پیامبر خدا حضرت محمد صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «من عمل علی غیر علم کان ما یفسده أكثر مما یصلح» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۲۰۸)؛ هر کس بی‌دانش عمل کند بیش از آن که اصلاح کند و سامان دهد افساد می‌نماید و نابسامانی به وجود می‌آورد.

امیر مؤمنان امام علی علیه السلام فرموده‌اند: «العمل بلاعلم ضلال» (تمیمی آمدی،

۱۳۶۶، ج ۲، ص ۸؛ عمل بی علم و آگاهی، عامل گمراهی است. در جای دیگر فرموده‌اند: «لاخیر فی عمل بلا علم» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۶، ص ۳۸۷)؛ خیر در عمل و اقدام بی علم نیست.

امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «العامل علی غیر بصیره کالسائر علی غیر الطریق و لایزیده سرعة السیر من الطریق إلا بعداً» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۰۶)؛ معجری و عامل بی بصیرت مثل کسی است که بر بی راهه و کژراهه می‌رود و شتاب و سرعت سیر او، جز بر دوری‌اش از راه اصلی و راست نمی‌افزاید! خطر ورود ناآگاهان به حوزه اجرای امر به معروف و نهی از منکر، آن قدر جدی و چالش برانگیز است که امام خمینی رحمه الله بازداشتن این افراد از امر به معروف و نهی از منکر را واجب می‌شمارند و در تبیین شرط معرفت می‌نویسند: «لو امر بالمعروف أو نهی عن المنکر فی مورد لایجوز له یجب علی غیره نهیه عنهما» (امام خمینی رحمه الله، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۴۲۸)؛ اگر کسی امر به معروف و نهی از منکر کند در موردی که برایش جایز نیست، بر دیگری واجب است او را از امر و نهی بازدارد و نهی از منکر نماید.

شهید مطهری رحمه الله در یادداشت خود درباره اثر اقدامات جاهلان نوشته است: «در اثر ناآگاهی ما مردم احیاناً نهی از منکر به صورت منکر بزرگ در آمده است. همان طور که درباره آزادی گفته شده است ای آزادی چه جنایت‌ها به نام تو نشد، باید گفت ای نهی از منکر چه منکرانی که به نام تو نشد» (مطهری، ۱۳۸۵، ج ۱، حرف الف، ص ۲۵۰).

بسیاری از مقاومت‌های اجتماعی در برابر آمران به معروف و ناهیان از منکر، ریشه در اقدامات جاهلانه و فاقد معرفت و بصیرت برخی از مجریان دارد. کسی که از مفهوم و دائره گسترده معروف و منکر و مصادیق آن اطلاعات دقیقی ندارد، امکان دارد معروف را منکر بداند و منکر را معروف بشمارد و به صحنه اجرا وارد گردد و سخنانش با عکس العمل و اثر متقابل مواجه شود و شکست

بخورد. جهل عامل ناکارآمدی و بی‌اثر شدن و ترک و انزوای امر به معروف و نهی از منکر می‌گردد. ناآگاهی و ضعف در معرفت و بصیرت باعث شده است برخی شنوندگان و مخاطبان امر به معروف و نهی از منکر تحت تأثیر گویندگان قرار نگیرند و مشکلات و چالش‌ها افزایش یابد.

نداشتن برنامه و نقشه و منطق

توفیق در امر به معروف و نهی از منکر نیازمند برنامه‌ریزی و طرح و نقشه عملیاتی و منطق و خردورزی است. امر به معروف و نهی از منکر واجب تبعدی نیست، بلکه واجب توصیلی است (امام خمینی رحمته‌الله، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۴۲۷). شهید مطهری رحمته‌الله درباره فلسفه این نظریه می‌گوید: «غیرتبعدی بودن امر به معروف، به خاطر این است که هر دردی دواپی دارد و باید با نقشه عمل شود و به هر حال در این جا نباید چشم بسته بود» (مطهری، ۱۳۸۵، ج ۱، حرف الف، ص ۲۵۱). وی بر مکانیسم و منطق تأکید دارد و می‌نویسد: برنامه عملی برای مبارزه با منکرات لازم است. باید منطق وارد امر به معروف و نهی از منکر بشود (همان، صص ۲۵۰ و ۲۵۱).

فقدان تدبیر عملی و عدم به کارگیری نیروی عقل و تفکر، مانع کارآمدی امر به معروف و نهی از منکر و موجب عدم پذیرش آن می‌گردد. امیرمؤمنان امام علی علیه السلام در ارتباط با پیوند و کارکرد عقل و تدبیر فرموده‌اند: «أدل شيء على غزارة العقل حسن التدبير» (تمیمی آمدی، ج ۲، ص ۴۲۹، حدیث ۳۱۵۱)؛ بالاترین خیر و بهترین دلیل بر بسیاری عقل هر انسان، تدبیر نیکوی او است. در بیان دیگر فرموده‌اند: «لا عقل كالتدبير» (همان، ج ۶، ص ۳۴۷، حدیث ۱۰۴۴۶)؛ هیچ عقلی مانند تدبیر نیست.

در ارتباط با اثر و نقش «تدبیر» و برنامه برای اداره کارها و آینده‌نگری فرموده‌اند: «صلاح العیش التدبير» (همان، ج ۴، ص ۱۹۴، حدیث ۵۷۹۴)؛ صلاح زندگانی تدبیر است.

«التدبير نصف المعونه» (همان، ج ۱، ص ۱۵۱، حدیث ۵۶۶)؛ تدبیر و برنامه‌ریزی و چاره‌جویی نیمی از یاری است. «لا فقر مع حسن تدبیر» (همان، ج ۶، ص ۴۳۷، حدیث ۱۰۹۲۰)؛ با تدبیر نیک نیازی نمی‌ماند.

درباره نقش تدبیر در پیش‌گیری از پشیمانی و لغزش فرموده‌اند: «التدبير قبل العمل يؤمن الندم» (همان، ص ۳۷۹، حدیث ۱۴۱۷)؛ تدبیر پیش از کار از پشیمانی ایمن می‌سازد. «التدبير قبل الفعل يؤمن العثار» (همان، ص ۳۸۴، حدیث ۱۴۸۲)؛ تدبیر پیش از کار از لغزش بازمی‌دارد و ایمن می‌سازد. تدبیر باید نیکو و درست و حقیقی و همه‌جانبه و زیبا و کامل باشد چون بد تدبیری از بی‌تدبیری زیان‌بارتر است، از این رو امام علی علیه السلام سوء تدبیر و نقشه بد برای اداره و اجرای کارها و مانع بزرگی در راه تحقق تقدیر انسان‌ها دانسته و حتی عامل هلاکت و نابودی و تدمیر آنها شمرده‌اند.

امیرمؤمنان امام علی علیه السلام فرموده‌اند: «من ساء تدبیره بطل تقدیره» (همان، ج ۵، ص ۲۱۶، حدیث ۸۰۴۷)؛ هر کس تدبیر او بد باشد تقدیر او باطل شود. «سبب التدبير سود التدبير» (همان، ج ۴، ص ۱۲۶، حدیث ۵۵۴۹)؛ بدی تدبیر سبب هلاکت و نابودی است.

«من ساء تدبیره تعجل تدمیره» (همان، ج ۵، ص ۱۸۷، حدیث ۷۹۰۵)؛ هر کس تدبیرش بد باشد در هلاکت گردانیدنش شتاب شود. در بیان دیگر سوء تدبیر را دلیل و عامل ادبار و پشت کردن مردم به انسان و برنامه‌اش اعلام نموده و فرموده‌اند: «يستدل على الادبار بأربع: سوء التدبير...» (همان، ج ۶، ص ۴۴۹، حدیث ۱۰۹۵۸)؛ بر ادبار و پشت کردن به چهار چیز دلیل آورده می‌شود: بدی تدبیر... .

در تنظیم برنامه و نقشه و تدبیر باید با خردمندان و اندیشمندان و متخصصان باایمان و تقوی مشورت شود تا تدبیر نیک و زیبا سودمند فراهم گردد چون مشاوران گمراه و ضعیف و فاسد، تدبیر را باطل می‌کنند. امام علی علیه السلام فرموده -

اند: «من ضلّ مشیره بطل تدبیره» (همان، ج ۵، ص ۱۸۷، حدیث ۷۹۰۵)؛ هر کس مشاورش گمراه باشد تدبیر او باطل گردد.

با عقل و خردمندی و بینش و تفکر در کارها و مشاوره با ابرار و متخصصان مؤمن و مخلص است که برنامه و نقشه و منطق و تدبیر نیک و مؤثر و مفید بر گفتار و رفتار انسان‌ها حاکم می‌گردد و میزان پذیرش اجتماعی بالا می‌رود اما اقدامات بی‌خردانه و تلاش‌های بدون برنامه و نقشه و تدبیر و منطق با عکس‌العمل منفی افراد مواجه می‌شود و پذیرش اجتماعی کاهش می‌یابد.

عدم رعایت مراتب

امر به معروف و نهی از منکر دارای سه مرتبه قلبی و زبانی و عملی است اگر مقصود با مرتبه قلبی حاصل شود نوبت به مرحله بعدی نمی‌رسد (محقق حلی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۳۴۳؛ شهید اول، ۱۳۴۸ق، ص ۱۶۵؛ شهید ثانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۱۷؛ صاحب جواهر، ۱۹۸۱م، ج ۲۱، صص ۳۷۴-۳۷۸؛ خوئی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۳۷۹). امام خمینی رحمته الله علیه درباره لزوم رعایت مراتب نوشته‌اند: «فإنَّ لهما مراتباً لا يجوز التعدی عن مرتبه إلى الأخری مع حصول المطلوب من المرتبة الدانیة بل مع إحتماله» (امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۴۳۷)؛ برای امر به معروف و نهی از منکر مراتبی است؛ حصول مطلوب در مرتبه پایین‌تر بلکه با احتمال حصول مطلوب با مرحله آسان‌تر، تعدی به مرحله دیگر جایز نیست. ایشان در پی یادآوری اقسام و نمونه‌های امر به معروف و نهی از منکر قلبی، اقتصار و اکتفا به مرتبه قلبی و بلکه اکتفای به درجه آسان‌تر و پایین‌تر در مرتبه قلبی را با احتمال اثر و رفع منکر، واجب دانسته و ورود به درجه بالاتر را غیر جایز شمرده‌اند (همان). در بحث از مرتبه زبانی نوشته‌اند: اگر یقین دارد مقصود با مرتبه اول (قلبی) تحقق نمی‌یابد، نوبت به مرتبه دوم می‌رسد در صورتی که احتمال بدهد امر به معروف و نهی از منکر زبانی اثر دارد. در ادامه تبیین مرتبه لسانی فرموده‌اند: «لو احتمل حصول المطلوب بالوعظ و الارشاد و القول اللین يجب

ذلک و لایجوز التعدی عنه» (همان، ج ۹، ص ۴۳۸)؛ اگر حصول مطلوب با وعظ و ارشاد و سخن نرم احتمال دارد، همان واجب است و ورود به مرتبه بعدی و تجاوز از این مرحله جایز نمی‌باشد. در بررسی مرتبه سوم و انکار عملی و یدی نیز چنین هشدار داده‌اند: اگر بدانند یا اطمینان پیدا کند که مطلوب با دو مرتبه قلبی و لسانی حاصل نمی‌گردد، ورود به مرتبه سوم واجب می‌شود که اعمال قدرت است و در این مرتبه نیز مراعات الایسر فالایسر لازم می‌باشد (همان، ص ۴۴۰).

یکی از موانع پذیرش اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر، عدم رعایت مراتب آن از سوی آمران و ناهیان و ورود آنان به مرتبه دوم یا سوم با یقین یا گمان و احتمال رسیدن به هدف در مرتبه نخستین و اقسام و نمادهای آن است. در صورتی که با امکان حصول مقصود در مرتبه قلبی و مصادیق و مظاهر آن، ورود به مرتبه دوم یا سوم حرام است و اقدامات آمر و ناهی از نظر شرعی غیر مجاز خواهد شد. ترتیبی بودن مراتب و عدم جواز گذر از مرتبه آسان‌تر در صورتی که در همان مرتبه هدف تحقق یابد، برای فراهم شدن زمینه قبول در مخاطبان است و نشانه برنامه خردمندانه اسلام برای هدایت انسان‌ها می‌باشد.

تناقض در گفتار و رفتار

گرچه «عدالت» و «عمل» از شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر نیست (امام خمینی رحمته‌الله، ج ۱، ص ۴۳۶)، اما «تبلیغ عملی» بزرگ‌ترین و شریف‌ترین و لطیف‌ترین و تأثیرگذارترین نوع امر به معروف و نهی از منکر است (همان، ۴۴۲). ناآراستگی آمر به آن چه به آن امر می‌کند و عدم پیراستگی ناهی از آن چه دیگران را از آن بازمی‌دارد، مانع موفقیت و عامل عدم پذیرش است. امام سجاد علیه‌السلام چنین فردی را منافق نامیده و به ابوحمره ثمالی فرموده‌اند: «المنافق ینهی و لاینتهی و یأمر بما لایأتی» (حر عاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۱، ص ۴۱۹)؛ منافق نهی می‌کند از چیزی که خود از آن دوری نمی‌نماید و امر می‌کند به آن چه

خود انجام نمی دهد.

امیرمؤمنان امام علی علیه السلام راه اصلاح افراد را رفتار و گفتار زیبا دانسته و دستور داده اند: «اصح المسئی بحسن فعالک و دل علی الخیر بجمیل مقالک» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۱۸۲)؛ بدکار را با رفتار نیکت اصلاح کن و با گفتار زیبایت به سوی خیر راهنمایی بنما.

امام صادق علیه السلام درباره دعوت عملی فرموده اند: «کونوا دعاة الناس بالخير بغير ألسنتکم لیروا منکم الاجتهاد و الصدق و الورع» (کلینی رازی، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۱۰۵)؛ مردم را با غیر زبان به خوبی فرا بخوانید تا در شما عمل و کوشش و راستی و صداقت و ورع مشاهده کنند. در حدیث دیگر فرموده اند: «رحم الله قوماً کانوا سراجاً و مناراً و کانوا دعاة إلینا بأعمالهم و مجهود طاقتهم» (حرانی، ۱۳۵۴، ص ۳۰۱)؛ خداوند آن جمعیت را رحمت کند که چراغ و مناره هدایت اند و مردم را با اعمال و نهایت توانشان به سوی ما فرامی خوانند.

تعارض آشکار و پنهان میان گفتار و رفتار و ناهماهنگی بین قلب و زبان آمران و ناهیان، نقش برجسته ای در عدم پذیرش امر به معروف و نهی از منکر دارد.

امام صادق علیه السلام فرموده اند: «إن العالم إذا لم يعمل بعلمه زلت موعظته عن القلوب، كما یزل المطر عن الصفا» (کلینی رازی، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۴۴)؛ هرگاه عالم به علمش عمل نکند، اثر موعظه اش از دل ها زایل می گردد آن چنان که باران از روی سنگ صاف می لغزد.

ناتوانی در اقناع مخاطب

بلاغت و روانی سخن جهت فهمیدن مخاطب و هضم نمودن کلام، و درستی اسناد و مدارک برای قانع شدن وی، پذیرش امر به معروف و نهی از منکر را آسان می سازد. ناتوانی آمر و ناهی از استدلال و برهان و از گفتار و رفتار آرامش

بخش و بیدار کننده، موجب عدم پذیرش سخنان وی می‌گردد.

شایسته است سخنان آمر و ناهی توان نفوذ در دل مخاطب و جلب اعتماد و جذب وی و بازآفرینی و پرورش و هدایت وی را دارا باشد. معروف حقیقتی است که دل‌ها با آن انس می‌گیرد و آرامش می‌یابد. ترتیب مقایس *اللغة* در وجه تسمیه معروف نوشته است: «المعروف سمی بذلك لأن النفوس تسكن إليه» (احمد بن فارس بن زکریا، ۱۳۸۷، ص ۶۳۸)؛ معروف را معروف نامیده‌اند چون دل‌ها با آن آرامش می‌یابد. *اقرب الموارد* نیز نوشته است: «المعروف ضد المنکر و هو کل ما تعرفه النفس من الخير و تطمئن إليه» (خوری شرتونی، ج ۲، ص ۷۶۸)؛ معروف ضد منکر است و هر چیزی است که نفس انسان آن را خیر می‌شناسد و با آن اطمینان و آرامش می‌یابد. چینش محتوا و روش‌گوینده، در اقناع مخاطب و آرامش وی و پذیرش و قبول فوری مؤثر است.

انسان با سخنان کوتاه و گویا و رسا و به جا و مناسب و پر معنی و آمیخته با منطق، به هدف می‌رسد. امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «لیست البلاغه بجده اللسان و لا بکثرة الهذیان و لكنها أصابه المعنی و قصد الحجة» (حرانی، ۱۳۵۴، ص ۳۱۲)؛ بلاغت به تندی زبان و پرت و پلاگویی بسیار نیست، بلکه بلاغت رساندن معنا و آوردن دلیل و برهان درست است. در حدیث دیگر فرموده‌اند: «ثلاث فیهن البلاغه: التقرب من معنی البغیه و التباعد من حشو الکلام و الدلاله بالقلیل علی الكثير» (همان، ص ۳۱۷)؛ بلاغت در سه چیز است: نزدیک شدن به معنای مورد نظر، دوری کردن از گفتار حشو و زاید، و رساندن معنای زیاد با عبارت کم!

آمر و ناهی باید راه نفوذ در مخاطب را بیابد و حقیقت را به وی بفهماند و حجت را تمام کند. امام علی علیه السلام درباره قدرت و نیروی استدلال فرموده‌اند: «قوة سلطان الحجة اعظم من قوة سلطان القدرة» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۵۰۸)؛ نیروی دارنده حجت و استدلال بیشتر از نیروی دارنده قدرت است. همچنین درباره سخن محکم فرموده‌اند: «أحسن القول السداد» (همان، ج ۲، ص ۳۷۴)؛

نیکوترین سخن، سخن درست و راست و خردمندانه و محکم است.

﴿۶۵﴾

خسیس بودن و عدم سخاوت

پول خرج کردن و انفاق و اطعام و مواسات و همکاری مالی و جود و بخشش و کرم و سخاوت، راز توفیق در امر به معروف و نهی از منکر است. امام علی علیه السلام درباره آثار سخاوت فرموده‌اند: «السَّخَاءُ يَزْرَعُ الْمَحَبَّةَ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۸۲)؛ سخاوت محبت را در دل‌ها می‌نشاند. «السَّخَاءُ يَثْمُرُ الصَّفَاءَ» (همان، ص ۱۹۸)؛ سخاوت صفا را نتیجه می‌دهد. «السَّخَاءُ يَكْسِبُ الْحَمْدَ» (همان، ص ۲۷۴)؛ سخاوت ستایش را برمی‌انگیزد و کسب می‌کند. «سَبَبُ السِّيَادَةِ السَّخَاءُ» (همان، ج ۴، ص ۱۲۲)؛ سخاوت سبب سرور و بزرگی و آقایی است. خسیس بودن و بخل و بی‌سخاوتی، از موانع محبت و نفوذ و پیشرفت و سیادت و اثربخشی است.

کن بلانچارد (Ken Blanchard) آمریکایی که کتاب‌هایش به بیست و پنج زبان ترجمه شده و پانزده میلیون دلار فروش داشته است، کتابی با عنوان **سخاوت رمز موفقیت** نوشته و راه تبلیغ مسیحیت را نشان داده است.

سرمایه‌گذاری در اجرای امر به معروف و نهی از منکر، بهترین سرمایه‌گذاری است و با تأمین هزینه‌های لازم برای آن از سوی دولت و ملت و با انفاق و هزینه نمودن ثروت در راه احیا و اجرای امر به معروف و نهی از منکر بسیاری از موانع و چالش‌های اجتماعی از بین می‌رود.

خشونت و فقدان نگاه ترحم‌آمیز

از دیدگاه اسلام آدم بد وجود ندارد و انسان‌ها بر فطرت توحیدی آفریده شده‌اند و امکان تربیت و سعادت و آراستگی به فضایل و پیراستگی از رذایل برای همه انسان‌ها وجود دارد. فقط آدم بیمار وجود دارد و برخی انسان‌ها بیماری‌های روحی و روانی پیدا می‌کنند و برای بهداشت روانی و سلامت آنان باید کوشش

کرد.

از منظر اسلام اهل معصیت قابل ترحم‌اند. امام علی علیه السلام چنین هشدار داده‌اند: «انما ينبغي لاهل العصمه و المصنوع إليهم في السلامه، أن يرحموا أهل الذنوب و المعصيه» (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۰)؛ سزاوار است کسانی که گناه ندارند و اهل عصمت‌اند و از سلامت دینی برخوردارند، به گناهکاران و اهل معصیت ترحم نمایند. شهید مطهری رحمته الله درباره این خطبه می‌نویسد: این خطبه گرچه در مقام نهی از غیبت است، اما یک اصل کلی را ذکر می‌کند و آن این که اهل معصیت قابل ترحمند باید انسان بر بیچارگی و ضعف آنها رحمت آورد. همان طور که یک بیمار گرفتار، رحمت انسان‌ها را برمی‌انگیزد یک گناهکار هم بیمار و گرفتار و قابل ترحم است... شرط مصلح این است که انگیزه‌اش رحمت باشد نه عناد (مطهری، ۱۳۸۵، ج ۱، حروف الف، صص ۲۴۲ و ۲۶۱).

روش موفقیت‌آمیز در بهبود بیماری‌های گناهکاران و اهل منکرات، مهرورزی و دلسوزی و لطف و دستگیری و فداکاری برای درمان آنان است و فقدان این روحیه موجب چالش‌ها و مشکلات می‌گردد.

پیامبران الهی علیهم السلام و به ویژه بهترین و آخرین آنان حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام با نرمی و مدارا و حلم و عفو و حسن خلق در راه اصلاح و هدایت بشر گام برداشته‌اند.

خدای متعال به حضرت موسی و برادرش هارون علیهم السلام در روش گفتگو با فرعون چنین دستور می‌دهد: ﴿إِذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لِّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ﴾ (طه/۴۳ و ۴۴)؛ به سوی فرعون بروید که طغیان کرده است، اما به نرمی با او سخن بگویید شاید متذکر شود یا از خدا بترسد.

قرآن نرمی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را ناشی از رحمت الهی می‌داند و همان را عامل جذب مردم می‌شمارد و خشونت را مانع ارتباط و اثرگذاری می‌داند (آل عمران/۱۵۹).

خشونت قولی یا فعلی آمران و ناهیان، عامل عدم پذیرش امر به معروف و

نهی از منکر در جامعه است.

خسونت ضد لینت است (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۵۷). «قول لین» و رفق و مدارا روش راهبردی اثرگذاری بر گناهکاران و متذکر شدن آنان است. امیرمؤمنان امام علی علیه السلام در تبیین اثر لینت فرموده‌اند: «أَلْنِ كُنْفَكَ وَتَوَاضَعَ لِلَّهِ يَرْفَعَكَ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۱۹۶، حدیث ۲۳۶۱)؛ جانب خود را نرم گردان و به مردم مهربانی کن و برای خدا فروتنی نما، خداوند ترا بلند گرداند و رفعت دهد. در بیان دیگر فرموده‌اند: «أَلْنِ كُنْفَكَ فَإِنَّ مَنْ يُلْنِ كُنْفَهُ يَسْتَدِمُّ مِنْ قَوْمِهِ الْمَحَبَّةَ» (همان، ج ۲، ص ۲۰۲، حدیث ۲۳۷۶)؛ جانب خود را نرم گردان و مهربانی نما، زیرا هر کس جانب خود را نرم گرداند، محبت قومش نسبت به او پایدار و دائمی شود. مطابق این حدیث علوی اثر لینت و نرمی، محبت دائمی در بین قوم است و قومش او را همواره و همیشه دوست می‌دارند، پس راه جذب و نفوذ و اثرگذاری نرمی و مهربانی است.

در حدیث دیگر فرموده‌اند: «بَلِّغِ الْجَانِبَ تَأْنِسَ النَّفُوسَ» (همان، ج ۳، ص ۲۱۷، حدیث ۴۲۶۱)؛ با نرمی جانب دل‌ها و نفوس آرام و انس می‌گیرند. در رهنمود دیگر درباره اثر لینت بر دشمن و شخصیت‌های سخت و غلیظ گفتار فرموده‌اند: «لَنْ لِمَنْ غَالِظَكَ فَاَنْهَ يَوْشَكَ أَنْ يَلِينُ لَكَ» (همان، ج ۵، ص ۱۲۵، حدیث ۷۶۲۰)؛ برای کسی که با تو درشتی و دشمنی کند نرم شو، امید می‌رود و نزدیک است که او با تو نرم شود.

در حدیث دیگر وجوب و ثبوت محبت را اثر لینت دانسته و فرموده‌اند: «مَنْ لَانَتْ عَرِيكَتُهُ وَجِبَتْ مَحَبَّتُهُ» (همان، ج ۵، ص ۲۳۸، حدیث ۸۱۵۲)؛ هر کس خوی او نرم باشد محبت و دوست داشتن او واجب و ثابت گردد و در دل‌ها قرار گیرد. شهید مطهری رحمته الله آمران به معروف و ناهیان از منکر را از لعن و نفرین و عصیت جاهلانه و خسونت باز می‌دارد و درباره روش اجرای دو مرتبه قلبی و زبانی می‌گوید: در مرحله قلبی و ضمیر، ما باید علاقه‌مند و مخلص و با فکر و

نقشه باشیم. در مرحله زبان باید منطق روشن گرانه داشته باشیم نه اوامر تحکم آمیز که خطر فراوان دارد و مشمئزکننده است و حداقل این است که بی اثر است... جنجال و هوچی گری و زورگویی عمل نیست (مطهری، ۱۳۸۵، ج ۱، حرف الف، ص ۲۵۲).

عدم فهم هدف و غفلت از نتیجه

هدف نهایی امر به معروف و نهی از منکر، تشویق و واداشتن مخاطب بر اجرای معروف و بازداشتن وی از منکر است. باید شوق انجام معروف و ترک منکر را در مخاطب ایجاد نمود. هدف شعار دادن و حرف زدن و تشریفات و پرکردن کارنامه و خوشی و لذت درونی آمر و ناهی و تحقیر و شکستن و کوبیدن شخصیت مخاطب و انتقام از وی و سرزنش مخاطب نیست.

عدم رعایت قوانین مرتبط با هدف اندیشی و نتیجه گرایی، باعث دور شدن آمر و ناهی از الزامات تکلیف و سرانجام بی نتیجه بودن کار و شکست وی می گردد. باید تکلیف را به گونه ای انجام داد که به هدف و نتیجه مطلوب منتهی شود و عدم درک هدف و کوتاهی در شناسایی وسایل و ابزارهای مشروع رسیدن به هدف و عدم به کارگیری آنها، از اسباب عدم پذیرش امر به معروف و نهی از منکر است. دخالت دادن انگیزه های انحرافی و غیر الهی و ناروا در احیاء و اجرای امر به معروف و نهی از منکر، نهضت اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر را تضعیف می کند و به ناپایداری و شکست می کشاند.

بی توجهی به ریشه ها و علت ها و اولویت ها

پرداختن به معلول ها و غفلت از علت ها، از عوامل ناکامی آمران به معروف و ناهیان از منکر است. آن جا که به علت های شناخته شده و روشن برخی ناهنجاری ها بی توجهی شود و تنها به معلول ها تأکید و اصرار شود، راه تأثیر گذاری بسته می گردد.

شهید مطهری رحمته الله علیه در این ارتباط می‌نویسد: علاوه بر آگاهی از وجود دردها، علت دردها، آگاهی به راه علاج آنها و تدبیر عملی برای علاج لازم است (مطهری، ۱۳۸۵، ج ۱، حرف الف، ص ۲۵۱). بدیهی است مبارزه با علت فساد مهم‌تر از مبارزه با معلول‌هاست و نبرد با منکرات بزرگ و زیان‌بار و خطرناک بر سایر منکرات اولویت دارد و غفلت از علت‌ها و تغافل نسبت به اولویت‌ها، از اسباب زایش چالش‌ها در فرآیند قبول امر به معروف و نهی از منکر است.

عدم درک نیازها و مشکلات مخاطب

بی‌توجهی به دردها و رنج‌ها و نیازها و مشکلات مخاطب و رها ساختن وی در غم و غصه‌ها و اندوه نیازهایش، موجب بی‌توجهی متقابل وی به امر به معروف و نهی از منکر می‌گردد. برآورده ساختن حاجت انسان‌ها و مشکل‌گشایی از آنها، فرصت مناسبی برای پذیرش امر به معروف و نهی از منکر است.

امام حسین علیه السلام فرموده‌اند: «اعلموا أن حوائج الناس إليكم من نعم الله عليكم فلا تملوا النعم فتحول إلى غيركم» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۸، ص ۱۲۸)؛ بدانید حوائج و نیازهای مردم به شما، از نعمت‌های خداوند بر شماست پس از نعمت‌ها اندوهگین و افسرده مباشید و این نعمت‌ها بر شما ناگوار و سخت نباشد که به دیگران انتقال می‌یابد.

چشم‌پوشی از شرایط و ویژگی‌های مخاطب و غفلت از وضعیت جسمی و روحی و توانایی‌های وی، و برخورد مکانیکی با موجود مختار آزاد، موجب کاهش آثار امر به معروف و نهی از منکر می‌گردد.

تجاوز به آزادی مردم

برای برپاداشتن واجب و رهایی از حرام، امر به معروف و نهی از منکر واجب است. ورود به «منطقة الفراغ» که خداوند در اختیار خود انسان‌ها گذاشته است، با عدم پذیرش و با مخالفت افراد روبرو می‌گردد. امر به معروف و نهی از منکر

برای کنترل و مهار تخلف است و آنجا که خداوند انسان را آزاد گذاشته است تخلفی صورت نگرفته است و ورود به آن ممنوع است. شهید مطهری رحمته الله علیه در این رابطه می نویسد: «تصور عامه مردم ما درباره امر به معروف این است که به بند کفش و دگمه لباس و موی سر و دوخت جامه مردم ایراد بگیریم، در صورتی که اینها منطقه آزادی مردم است. منطقه آزادی افراد غیر از محیط و جو اجتماعی است... به طور کلی حدود این مطلب باید روشن شود که در چه مسائلی جامعه حق نظارت بر اجرا دارد و در چه مواردی حق ندارد و فقط در زمینه‌ای که تخلف ثابت می شود حق مداخله دارد» (مطهری، ۱۳۸۵، ج ۱، حرف الف، صص ۲۵۰ و ۲۵۸).

عدم ارائه جایگزین مناسب

برای رفع و دفع برخی از منکرات و درمان آنها، نیاز به جایگزین مشروع و مناسب وجود دارد و ناتوانی از ارائه جایگزین مطلوب برای رفع منکرات و تأثیرگذاری را شناخت و آموزش داد تا تفکر و فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر گسترش یابد و بارور گردد، از چالش‌ها و مشکلات در راه اجرای امر به معروف و نهی از منکر و قبول آن است.

در سنت اهل بیت علیهم السلام بهترین روش‌ها و شیوه‌های امر به معروف و نهی از منکر بیان شده است و روش‌ها و شیوه‌های زیبا و خردمندانه در اندیشه و رفتار و گفتار امامان علیهم السلام جاری بوده است. باید آن روش‌ها را شناخت و به آنها عمل نمود.

یکی از روش‌هایی که در قرآن و حدیث اهل بیت علیهم السلام یادآوری شده است «دفع منکر با معروف» است.

امام دوم سبط اکبر پیامبر خدا علیه السلام به اصحاب خویش این روش را آموخته‌اند. امام حسن مجتبی علیه السلام در پاسخ پرسشی پیرامون «سداد» همین روش را توصیف نموده‌اند.

از امام حسن علیه السلام سؤال شد: «ما السّداد؟»، سداد چیست؟ فرمودند: «دفع المنکر بالمعروف» (بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۰۲)؛ برگرداندن و رد کردن و کوبیدن منکر با معروف است.

«سداد» با فتح سین به معنای گفتار و رفتار محکم و درست و مطابق عقل و منطق و درستی و راستی و صافی و بی عیب و نقص شدن است و سداد با کسره سین بستن و سد کردن و گرفتن و برگرداندن است.

امام حسن مجتبی علیه السلام در این پرسش و پاسخ روش درست رفتاری و گفتاری در امر به معروف و نهی از منکر را «دفع منکر به معروف» دانسته‌اند. در واقع امام دوم علیه السلام در این گفتگو همان روشی را که وحی الهی و قرآن به جهانیان آموخته‌اند تبیین نموده‌اند، زیرا قرآن در همه مواردی که از امر به معروف و نهی از منکر با هم سخن گفته است، نخست امر به معروف و سپس نهی از منکر را ذکر می‌کند و این نشان دهنده بهترین راه و رسم و روش مطلوب و عملیاتی و اجرایی است. «دفع منکر با معروف» روش و شیوه خردمندانه‌ای است که باعث اثرگذاری و افزایش سودمندی کار می‌گردد.

در این روش دو نکته و اصل نهفته است. اولاً شایسته است نهی از منکر و دفع منکر با گفتار و رفتار «معروف» و زیبا و درست باشد، ثانیاً به جای نهی مستقیم از منکر با «امر به معروف» منکرات دفع گردد.

هم معروف بودن قول و فعل در نهی از منکر لازم است و هم دفع منکر با آموزش معروف و جایگزین کردن مناسب برای منکر انجام گردد.

آن جا که امر به معروف و نهی از منکر با روش زیبا و جذاب و دل چسب باشد، قطعاً اثربخش خواهد بود. با انتخاب روش درست امر به معروف و نهی از منکر از سوی آمران و ناهیان، هرگز اقدامات آنان بی اثر نخواهد شد.

بنابراین با روش‌شناسی و روش‌یابی درست، همواره شرط «احتمال اثر» وجود دارد و انجام تکالیف مؤثر و سودمند خواهد بود.

عجله، شتابزدگی و کمبود وقت

رسیدن به هدف در امر به معروف و نهی از منکر نیازمند صرف وقت و همراهی و همکاری است. شتاب زدگی و کمبود وقت و توقع اثر فوری، از مشکلات اثرگذاری امر به معروف و نهی از منکر است. تربیت و ساختن افراد زمان می‌برد و باید با حوصله و صبر و تحمل و مدارا و صرف وقت اقدام کرد.

امام علی علیه السلام در بیان خطر عجله فرموده‌اند: «العجل یوجب العثار و التأنی یوجب الاستظهار» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۱۸، حدیث ۴۳۲ و ۴۳۳)؛ شتابزدگی موجب لغزش است و دقت و حوصله و آرامش موجب پشت گرمی و پیشرفت است. امام صادق علیه السلام نیز فرموده‌اند: «مع الثبیت تكون السلامة و مع العجلة تكون الندامه» (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۰۰)؛ با آرامی و حوصله و درنگ سلامت از خطا و انحراف است و با شتابزدگی پشیمانی است. بنابراین برای آشناسازی و حساس سازی و تغییر نگرش و هنجارسازی در مخاطبان، شتابزدگی روا نیست، زیرا شناخت و اندیشه و آرمان و اراده و عمل زمان می‌برد.

اقدام علنی و در حضور دیگران

امر به معروف و نهی از منکر پنهانی و چهره به چهره بی حضور دیگران نشان دهنده صداقت و دلسوزی و خیرخواهی آمر و ناهی و باعث نفوذ در مخاطب و تأثیرگذاری بیشتر است.

موعظه و ارشاد آشکار و علنی پیش چشم دیگران، باعث ناآرامی و ناراحتی و زجر و رنج مخاطب و موجب تحقیر شخصیت وی می‌گردد و او را به مقاومت در برابر آمر و ناهی و عدم پذیرش معروف و تلاش برای دفاع از خود و توجیه کار زشت خود می‌کشاند.

در موعظه علنی، عزت و کرامت و حرمت مخاطب رعایت نمی‌گردد و انگیزه برای قبول کاهش می‌یابد و در مواردی به صفر می‌رسد.

امام علی علیه السلام فرموده‌اند: «التَّصَحُّبُ بَيْنَ الْمَلَأِ تَقْرِيعٌ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۶،

ص ۱۷۲، حدیث ۹۹؛ ابن ابی الحدید، بی تا، ج ۲۰، ص ۳۴۱، حدیث ۹۰۸؛ ابن میثم بحرانی، بی تا، ص ۱۴۹؛ نصیحت علنی و در میان مردم، کوبیدن و درهم شکستن و بی قرار ساختن است.

امام حسن عسگری علیه السلام در نکوهش موعظه علنی فرموده‌اند: «من وعظ اخاه سرا فقد زانه، و من وعظه علانیه فقد شانه» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۵۴، ص ۴۸۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۱، ص ۱۶۶)؛ هر کس برادرش را پنهانی و سرّی موعظه کند او را آراسته است و هر کس او را علنی موعظه نماید، او را رسوا و مفتضح ساخته است.

شایسته است امر به معروف و نهی از منکر در خلوت و نجوا و پنهانی و در ارتباطات فردی و شخصی انجام شود و رازی بین آمر و مأمور بماند. تنها در این صورت او را آراسته و زیبا و شاد ساخته و عمل به تکلیف به نتیجه مطلوب خواهد رسید. نصیحت و موعظه علنی و پیش چشم و گوش دیگران، کوبیدن و درهم شکستن و مذمت کردن و ملامت نمودن و رسوا و مفتضح ساختن و بد گفتن و برخورد زنده‌ای است که آمر و ناهی را از رسیدن به هدف بازمی دارد و موجب عدم پذیرش مخاطب می گردد.

فهرست سایر عوامل

افزون بر آنچه ذکر شد «اقدامات فردی نه گروهی و سیستمی»، «مسخره کردن»، «بزدلی و ترس»، «عجب و خودپسندی»، «لجبازی و لجاجت»، «تهمت»، «بی نظمی»، «عدم نظافت و پاکیزگی»، «نگاه ناپسند»، «بد قولی»، «سوء ظن و بد گمانی»، «دروغگویی»، «غرور و تکبر»، «بی عدالتی»، «فرصت ندادن برای ابراز نظر به مخاطب»، «بوی بد دهان»، «تکیه کلام‌ها و تیک‌های گفتاری و رفتاری»، «بی احتیاطی»، «عدم پوشش زیبا و مناسب»، «عدم مداومت و پی گیری و استمرار»، «بی انصافی»، «افشای راز»، «آبروریزی»، «قدرت طلبی»، «ریاست طلبی»، «کینه ورزی»، «بی سلیقه گی»، «منت گذاشتن»، «آزمندی»، «عیب جویی»،

«خیانت»، «فریبکاری»، «تعصب‌های نژادی و زبانی»، «حواس پرتی»، «فخر فروشی»، «کثرت کارها و مسؤولیت‌ها و عدم تمرکز بر کار»، «حماقت»، «فرصت سوزی»، «عدم مشاوره»، «هوس رانی»، «سودجویی»، «اجبار و اکراه»، «حسادت»، «بی حیایی»، «تسویف و کار امروز را به فردا سپردن»، «نبود قوانین لازم حکومتی»، «فقدان تشکیلات و سازمان مطلوب و نبود ساز و کارهای مناسب»، «بی توجهی به آماده ساختن ذهن مخاطب»، «غفلت از امتیازات و خوبی‌های مخاطب و ستودن آنها»، «عدم درک ظرفیت و گنجایش و مقدار خرد مخاطب»، «فراموشی یا ناتوانی از تبیین فلسفه حکم»، «ناتوانی در الگودهی و الگوسازی و مدسازی مطلوب»، «جابجایی بشارت و انداز و به عکس»، «ناآگاهی از شرایط محیطی و خانوادگی مخاطب»، «اقدامات یک بعدی»، «ناتوانی در محبوب سازی معروف و ایجاد تنفر از گناه»، «سخت گیری»، «تنگ نظری»، «بی توجهی به مصلحت مخاطب»، «تجسس»، «تعییر»، «شماتت»، «داشتن همسر یا فرزندان فاسد»، «ناتوانی در انگیزش و ایجاد انگیزه و جهت دهی و هدایت آن» و «خستگی و عدم تکرار و استمرار» نیز از عایق کننده‌های امر به معروف و نهی از منکر و از عوامل سلب اعتماد و موانع نفوذ و تأثیر گذاری در مخاطبان است و باعث خنثی شدن امر به معروف و نهی از منکر می گردد.

غفلت از عوامل و عللی که ذکر شد و برجستگی و گسترش این علل در عملکرد و کارنامه آمران به معروف و ناهیان از منکر در جامعه، مردم را به وضعیتی می‌رساند که در حدیث نبوی آمده است: حذیفه گفته است پیامبر خدا ﷺ فرمودند: «يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَأَنْ يَكُونَ فِيهِمْ جِيْفَةٌ حَمَارٌ أَحَبُّ إِلَيْهِمْ مِنْ مُؤْمِنٍ يَأْمُرُهُمُ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ» (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۴۸۴)؛ بر مردم زمانی می‌آید که بودن مردار الاغ در بین آنان محبوب‌تر و بهتر است از مؤمنی که آنان را امر به معروف کند و نهی از منکر نماید.

خطر این وضعیت را پیامبر خدا ﷺ به بیان دیگر پیش‌بینی نموده‌اند. ابو سعید خدری گفته است پیامبر ﷺ فرمود: «يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ خَيْرُهُمْ مَنْ لَا يَأْمُرُ

بالمعروف و لاینهی عن المنکر» (متقی هندی، ۱۴۰۱، ج ۳، ص ۲۷۵، حدیث ۸۴۶۸)؛ بر مردم زمانی خواهد آمد که بهترین آنان کسی شود که امر به معروف و نهی از منکر نکند.

همین نگرانی و هشدار را حذیفه این گونه نقل کرده است: «لیاتین علیکم زمان، خیرکم فیه من لایأمر بالمعروف و لاینهی عن المنکر» (همان، ج ۳، ص ۲۷۴، حدیث ۸۴۵۸)؛ بر شما زمانی خواهد آمد که بهترین شما در آن زمان کسی گردد که امر به معروف و نهی از منکر نمی‌نماید.

شرایط در عصر عدم پذیرش و ترک امر به معروف و نهی از منکر چنان دردناک می‌شود که ابن عباس گزارش کرده است، رسول الله ﷺ فرمود: «یأتی علی الناس زمان یذوب فیه قلب المؤمن کما یذوب الملح فی الماء، قیل مم ذاک؟ قال: مما یری من المنکر لایستطیع یغیره» (همان، حدیث ۸۴۵۹)؛ بر مردم زمانی می‌آید که در آن دل مؤمن همانند نمک در آب ذوب می‌شود. گفته شد: چگونه و چرا؟ پیامبر ﷺ فرمود: از آنچه از منکر می‌بیند و نمی‌تواند آن را تغییر دهد.

نتیجه‌گیری

در بررسی اقدامات و شخصیت آمران به معروف و ناهیان از منکر و مخاطبان آنان، روشن شد علل و عوامل مشترک و اختصاصی وجود دارد که در فرایند اجرای امر به معروف و نهی از منکر اثر می‌گذارد و باعث عدم پذیرش امر به معروف و نهی از منکر در جامعه می‌گردد.

هر دو گروه از گویندگان و شنوندگان امر به معروف و نهی از منکر در جامعه، ضعف‌هایی دارند که همین ضعف‌های آنان، شرایط و وضعیت جامعه را به انحطاط و سقوط می‌کشاند. در این پژوهش مشکلات و چالش‌ها و ضعف‌های گویندگان و مجریان تبیین و تحلیل گردید.

برای احیای امر به معروف و نهی از منکر و اجرای آن و پذیرش امر به معروف و نهی از منکر و توسعه مقبولیت آن در جامعه، باید این مشکلات و

چالش‌ها را برطرف ساخت.

گرچه رفع و دفع این نقاط ضعف و موانع موجود، محال و ممتنع نیست، ولی کار سخت و سنگینی است و باید برنامه جامع و فراگیر و همه جانبه‌ای برای اصلاح فرایند موجود و توسعه کارآمدی و پایداری امر به معروف و نهی از منکر تنظیم و تدوین و حاکم گردد.

غفلت از «آداب» و «روش‌ها» و «احکام و قوانین امر به معروف و نهی از منکر» زیربنای علل متنوع و متعدد عدم پذیرش است و با هوشیاری و آگاهی و تعهد عملی و التزام به رعایت این سه بخش از مسائل مربوط به امر به معروف و نهی از منکر، امید می‌رود پذیرش اجتماعی گسترش یابد. تکنولوژی فکر (آزمندیان، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۴) و قوانین انکار ناپذیر رهبری که به کار بستن آنها باعث تبعیت دیگران از انسان می‌شوند (ماکسول، چاپ چهارم، ۱۳۹۰) و آشنایی با راه‌های رسیدن به موفقیت (باستین، ۱۳۹۲) از عوامل پیشرفت و پیروزی آمران به معروف و ناهیان از منکر در مهندسی فرهنگی و توان‌مندی نفوذ در مخاطبان و قبول و پذیرش و تربیت و هدایت آنان است.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن ابی الحدید معتزلی (بی تا)، شرح نهج البلاغه، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۴. ابن فارس بن زکریا، ابوالحسن احمد (۱۳۸۷)، ترتیب مقایس اللغه، تحقیق و ضبط عبدالسلام محمد هارون، ترتیب و تنقیح علی عسگری و حیدر مسجدی، قم، مرکز دراسات الحوزه و الجامعه.
۵. امام خمینی رحمته الله علیه (۱۳۶۳ ش/ ۱۴۰۴ ق)، تحریر الوسیله، قم، دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ اول.
۶. آزمندیان، علیرضا (۱۳۸۴)، تکنولوژی فکر، تهران، مؤلف، چاپ سیزدهم.
۷. باستین، باب (۱۳۹۲)، ۱۰۱ نکته برای رسیدن به موفقیت، ترجمه بهاره احمدی، مشهد، ترنم باران.
۸. بحرانی، کمال الدین میثم بن علی میثم (بی تا)، شرح کلام امیرالمؤمنین علیه السلام الموسوم بمائه

- کلمه، قم، دفتر انتشارات اسلامی حوزه علمیه.
۹. بلانچارد، کن (۱۳۸۵)، *سخاوت رمز موفقیت*، ترجمه عطیه رفیعی، تهران، لیوسا، چاپ اول.
۱۰. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶)، *غررالحکم و دررالکلم*، شرح جمال الدین محمد خوانساری، مقدمه و تصحیح میرجلال الدین حسینی ارموی (محدث)، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم.
۱۱. حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۳/ق ۱۹۸۳م)، *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، ج ۱۰، تحقیق شیخ عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ پنجم.
۱۲. الحرّانی، ابومحمد حسن بن علی بن حسین بن شعبه (۱۳۵۴)، *تحف العقول عن آل الرسول ﷺ*، ترجمه احمد نجفی، تهران، انتشارات علمیه اسلامی، چاپ اول.
۱۳. حلی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن حسن (محقق حلی) (۱۴۰۳ق)، *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، بیروت، دارالاضواء، چاپ دوم.
۱۴. شهید اول، محمد بن مکی عاملی (۱۳۴۸ق)، *الدروس الشرعیه فی الفقه الامامیه*، تصحیح و تعلیق سید مهدی لارودی حسینی، قم، انتشارات صادقی.
۱۵. شهید ثانی، زین الدین جبعی عاملی (بی تا)، *الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه*، تصحیح و تعلیق محمد کلانتر، بیروت، دارالعالم الاسلامی.
۱۶. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه قمی (۱۳۶۲)، *کتاب الخصال*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۱۷. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن (۱۴۰۳ق)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسه الوفاء.
۱۸. فیض کاشانی، مولی محسن (بی تا)، *المحجّه البیضاء فی تهذیب الاحیاء*، تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی حوزه علمیه.
۱۹. کلینی رازی، ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۱ق)، *الکافی*، بیروت، دار صعب و دار التعارف للمطبوعات، چاپ سوم.
۲۰. ماکسول، جان سی (۱۳۹۰)، *۲۱ قانون انکارناپذیر رهبری*، ترجمه شهین آفازاده، مشهد، به نشر آستان قدس رضوی، چاپ چهارم.
۲۱. الممتقی بن حسام الدین الهندی، علاء الدین علی (۱۴۱۹ق/۱۹۹۸م)، *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*، تحقیق محمود عمر الدمیاطی، بیروت، دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول.
۲۲. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م)، *بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار ﷺ*، بیروت، مؤسسه الوفاء دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم.
۲۳. مطهری، مرتضی (۱۳۸۵)، *یادداشت های استاد مطهری*، تهران، صدرا، چاپ سوم.

٢٤. الموسوی الخوئی، ابوالقاسم (١٤٠٩ق)، *منهاج الصالحین*، بی‌نا، بی‌جا، چاپ بیست و یکم.
٢٥. نجفی، محمد حسن (١٩٨١م)، *جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام*، تحقیق و تعلیق عباس قوچانی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ هفتم.